

عوام فریبی دولت کودتای سوسیال فاشیستی هفت ثور



انقلاب اجتماعی عبارت از تغییر کیفی جامعه است که در آن حاکمیت طبقه پیشر و جامعه از طریق سرنگونی قهری طبقه و یا طبقات ارتجاعی حاکم (که البته در مراحل مختلف تکامل تاریخی مختلف است) جانشین حاکمیت طبقه یا طبقات ارتجاعی حاکم میگردد. از آنجائیکه موجودیت طبقات در جامعه بر پایه های ساختمان اقتصادی و اجتماعی جامعه استوار است و لذا مبارزه طبقات در درون جامعه نیز بمنظور تاسیس منافع اقتصادی صورت میگیرد و قدرت حاکمه سیاسی کنش انعکاس مستقیم ساختمان اقتصادی - اجتماعی در جامعه است و نیز فقط وسیله ای برای تاسیس منافع است. البته با وقتی صحبت از انقلاب میشود منافع طبقاتی مطرح بحث بوده و درست همین انگیزه منافع طبقاتی است که توده های عظیم خلق را به جنبش در آورده و یک طبقه بالقوه بیک طبقه بالفعل تبدیل میشود. اما این تبدیل یک تبدیل ساده خطی نبوده و بلکه تابع شرایط عینی و ذهنی درون جامعه می باشد.

سرمداران کودتای سوسیال فاشیستی ۷ ثور ۱۳۵۷ در افغانستان و این نوکران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم بازهم داد و فریاد انقلاب را براه انداخته اند. این خلق فریبان "خلق" که داغ خیانت بخلق را بر جبین دارند و پنج سال قبل برای قانونی جلوه دادن دولت داد و فریاد طرح پیشنهادی کفایت مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان را برای تدوین قانون اساسی بی شرمانه چنین توصیه میکردند: "با الغای سلطنت و اعلام رژیم جمهوری به رهبری شایسته محمد داود رئیس دولت و صدراعظم افغانستان در کشور و با پیش کشیدن یکسلسله خواسته های اساسی مردم افغانستان در "اعلامیه" جمهوری ۲۶ / سرطان / ۱۳۵۲ و در بیانیه "خطاب به مردم افغانستان" اول سنبله ۱۳۵۲ توسط زعامت رژیم تعددات و تائیدات آن مبنی بر طرفداری از تحول بنیادی در کشور و اجرای فرم های بنیادی دموکراتیک و اجتماعی و اقتصادی و تحقق دموکراسی واقعی ملی و حاکمیت خلق و ایجاد جمهوری دموکراتیک و تدوین قانون اساسی دموکراتیک و تفرقی و شرکت دادن توده های مردم در عرصه های مختلف حیات سیاسی و اقتصادی جامعه و دموکراتیک کردن حیات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در کشور دفاع از منافع طبقات محروم و ایجاد جبهه متحد (.....) و غیره همچنان این که اخیراً در صحابه شایسته دولت و صدراعظم ایده سوسیالیسم رمانا مطرح گردیده است و سطح مطالبات دموکراتیک مردم را تا حد و زنیادی ارتقاء بخشیده است."

اینست قانونی ساختن و تحقق سوسیالیست جلوه دادن دولت فاشیستی داد که پنج سان تمام ستم و استبداد سیاه فاشیستی وی و طبقات حاکمه ارتجاعی افغانستان با همکاری "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" بر خلق سنگینی میکرد و اینست فریب دادن توده ها و خلقهای افغانستان. لاهی بیشیری!! (بقیه در صفحه دوم)

دستاورد های ششم جزو خیانت دار و دست های ضد خلقی پرچم و خلق

میراکر پولیس پلنگ در لباس ملنگ

داروسته های ضد خلقی و ارتجاعی "خلق" و پرچم کوشش نمایند تا میراکر پولیس را "فرزند خلق" جا بزنند و ولی آنها هرگز نخواهند توانست تا چهره های کثیف خود را آرایش دهند و نامهایی از قبیل "انقلابی" "فرزند خلق" و غیره از طریق نشرات و تبلیغات خویش در نزد خلقهای افغانستان و برای خویش کمانی نمایند. در زیر کوشش مینامیم تا سوانح سیاه میراکر پولیس را شرح دهیم تا هم میهنانی که از این فرد جاسوس چیزی شنیده اند و مبادا در دام توطئه های ارتجاعیون پرچی و "خلق" بیافتند.

میراکر خنجر (بخوان - پولیس) حریف پوهنهی را خوانده و در آنجا تجارب ضد انقلابی جمع نموده و بنا به درخواست خودش وی از بست وزارت دفاع در بست وزارت داخله پشمبه فرماندهی ژاندارم و پولیس مقرر گردید. بعد ها وی ازین کار نیز خسته گردیده و در بست ضبط احوالات (جمنلون) با یک رتبه ترفیع جهت پاداش خدمات وی مشغول وظیفه دیگری شد یعنی بدام انداختن عناصر وطن پرست و انقلابی. از آنجائیکه در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ مبارزات تودمخی در افغانستان اوج گرفت و در تمامی نقاط کشور موجهای خروشان جنبشهای تودمخی شعله ور شد و وی منحصیث یک پولیس و کارگاه با تجربه ضد انقلابی به ولایت بکیا فرستاده شد. وی در بکیا از آنجائیکه در پهلوی وظیفه پولیسی در باند سیاه ریزینوستی پرچم و یکی از رهبران این جریان ضد خلقی و ارتجاعی بود و شروع فعالیت ضد انقلابی نموده و عناصر انقلابی و وطنپرست و بخصوص عناصر و هواداران جریان دموکراتیک نوین را بدام میاندازد که در اثر خدمات شایانش به ارتجاع ظاهراشاهی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم به اخذ مدال خدمت نیز نایل میگردد. قابل تذکر است که وی در سال ۱۳۴۱ مدت چندی با اصطلاح بندی شده بود که در آن وظیفه داشت تا با زندان سیاسی انقلابی دوره هفتم شورا در زندان آشنا شده و بدین وسیله ارتباطات آنها را در بیرون زندان کشف نموده و به ضبط احوالات تحویل کند. قتل این خائن بخلق های افغانستان برخلاف ادعای کودتاچیان سوسیال فاشیست کوچکترین تاسی در دل خلق های ما راه نداده بلکه خلق ما در برابر قتل این نوع اشخاص از قبیل داود خان و میراکر پولیس و غیره کوچکترین احتکالا همدردی بدل راه نداده و بلکه نفرت خویش را به چنین اشخاص ابراز نمیدارند. قابل توجه اینست که میراکر پولیس از آن جاتیکه سابقه وی در تهنیت ها بخصوص جنبش کارگاه مانند آسمانی که در آن ستاره میدرخشده و صاف و روشن بود و بدین اساس وی از طرف یکی از جاسوسان کاگی بی (سازمان جاسوسی فاشیستی روسیه) بنام "اولوف" گرفتار روسیه در افغانستان مشغول فعالیت است و فاکتوته ادبیات را در رشته تخریب و جغرافیه در افغانستان تحصیل نموده و فارسی و پشتو را طوری صحبت می نماید که گویا زبان مادری اش باشد و بقتل میرسد. این قتل در پلان کودتا که از طرف کاکاگی بی مطرح گردیده بوده شامل بود. قتل جناح های مختلفه طبقات حاکمه چه جناح امپریالیسم غرب و چه جناح سوسیال امپریالیسم روس و واقارش مشابهت به جنگ در زمان بالای اموال غارت شده دارد و کوچکترین ترجمه احساس و هم دردی و غیره خلق ما را جلب ننموده و بلکه نفرت و ننگ خلق ما را نسبت بدشمنان شان بیشتر می سازد.

تاریخ خلقهای افغانستان همانند تاریخ خلقهای جهان ملو از پیگار های قهرمانانه بر علیه استعمار و استعمار می باشد. خلقهای افغانستان در جریان مبارزات برحق و انقلابی خویش حماسه های زیادی آفریده اند که یکی از آنها همانا حماسه ششم جزوی ۱۲۹۸ (۱۹۱۹ م) می باشد. این دستاورد انقلابی خلق های افغانستان که با خون هزاران مبارز قهرمان و صد امپریالیست کمانه گردیده است باید با کمال افتخار در برابر حملات دشمنان خلق و ضد انقلاب حفظ گردد. بر ماست تا این خاطره را زنده نگه داشته و در مسیر آن حرکت نمائیم.

خلقهای افغانستان در این روز تاریخی ۶/ جزوی ۱۲۸۹ (۱۹۱۰ م) با الهام گیری از انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۹ شوروی به دستاورد ارتجاع و امپریالیسم حمله برده و به امپریالیسم انگلیس غریب مرکباری وارد آورده و آنها را از سر زمین مقدس خویش بیرون ریختند. در این روز تاریخی دولت حبیب الله این سگ زنجیری امپریالیسم انگلیس از بین رفته و بجای آن دولت مستقل امانی ایجاد گردید و بدین ترتیب دست بیگانگان برای مدتی از وطن مساکوتناه گردید.

گرچه امان الله خودش یک شهزاده بود و از نگاه طویل المدت به هیچوجه رسالت آنرا نداشت و تا خواسته های واقعی خلقهای افغانستان را که همانا ایجاد جامعه آزاد و آباد و شگرفان و عاری از استعمار فرد از فرد می باشد و برآورده سازد و مگر از نگاه عینی از آنجائیکه وی در تضاد با امپریالیسم انگلیس بود از اینجهت وی با وجود نظریه سلطنت طلبی اثر مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم انگلیس پرداخت و بدین صورت سلطه امپریالیسم انگلیس را در اینجا از ریشه متزلزل ساخت.

رژیم کودتای سوسیال فاشیستی ۷ ثور ۱۳۵۷ بطور خائسانه ادعای آنرا دارد که گویا آنها (بقیه در ص ۳)

سرنگون با و دولت کودتای سوسیال فاشیستی هفت ثور در افغانستان

بقیه - عوام غریبی دولت کودتای سوسیال فاشیستی . . .

اما از آنجائیکه خائنین بخلق در هر لحظه برنگردند دیگری خود را آرایش میدهند گفتار دیروز خود را جهت اغوی مردم - فراموشی و بی شرمانه انکار کرده و یا اینکه آنها را تا کنیک جا میزنند . بلی - این خلق فروشان " خلقی " فریب خلعقها را تا کنیک مینامند . بنیهم بعد از آنکه با داران روسی شان آنها را براریکه قدرت نشانند چگونه بیکاره کویچه بدل کرده و مینویسند : " محمد داود مستبد و عوام فریب در حالیکه در گفتار باصلاح مترقی بود ولی در عمل یک سیاست ضد دموکراتیک و ضد ملی و خائنانه را تمقیب کرد و آزادی های سیاسی مردم را در بند کشید و حقوق دموکراتیک شان را سلب کرد و با بیشری تمام خلق آزاد افغانستان را بشیوه اداره استعماری تحقیر و توهین کرد . " (گفتار راد یوئی تروهکی) . این خائنین که ضافع خلق برای شان مطوح نیست و تنها خواستار کرسی های دولتی بودند وقتی داود فاشیست (وفایل وطن فروش وی از نادر شاه تا ظاهر شاه) به آنها چیزی های دولتی اعطا کرد فاشیسم او را " سوسیالیسم " جازده و طبقه کارگر و زحمتگان افغانستان را با فئودالان و فاشیست های خون آشام چون داود و هم کاسه گانش دعوت به ایجاد جبهه متحد میکردند و حالا بران اینکه یکسار دیگر بغریب توده های خلق پرداخته و چهره کثیف سیه خود را پنهان کنند از همان آوان که کودتای سوسیال فاشیستی شان به " پیروزی " رسید شروع به " افشاکری " با داران خود کردند . نوکران حلقه بگوش دیروز به نیک حرام های امروز تبدیل شدند زیرا با داران بومی شان یعنی دولت فاشیستی داود دیگر قادر نبود منافع سوسیال امپریالیسم روس را طوری که شاید و باید تا مین کند .

شما که در فریب خلق و وطن فروشان دست شما شجاع را از پشت بسته اید و فاطمین خوبی برای نفوذ هرچه بیشتر امپریالیسم و بخصوص سوسیال امپریالیسم روس در کشور ما محسوسید . زیرا شما نظر به داود و وفایل محمد زائسی به آسانی و بقیامت از انرا فر قابل تطمیع محسوسید چونکه آنها در راس طبقات استثمارگر سالها در ناز و نعمت زندگی کرده بودند و بزودی حاضر نبودند از ضرر نشینی دست بکشند و این سرداران محمد زائی در تقسیم غارت گونست و پوست زحمتگان کشور ما سهم زیاد تر بخاطر برکردن شکم های گنده خود از با داران امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی تقاضا داشتند و در حالیکه رهبر ند خلقی شما تروهکی با اشغال خانه داود پخان توگوشی صاحب بهشت برین شده باشد . چه بهتر از اینکه شما فقط چون جیره خوران فرومایه به چوکی های دولتی و رقصیدن به فرسان سوسیال امپریالیسم روس دلخوش کرده اید . دوست حالیکه سوسیال امپریالیسم روس لقمه های خوبیتری و چون گازه بیاریت نفت خام و مس آهن خام . . . در در نظرش داشته و آرزوی رسیدن به آبهای گرم بحر هند را بسر می بروراند . از آنجائیکه شما نه پایگاه تودملی داشته و نه بخلق ایمان دارید و نه خلق افغانستان بشما اعتماد دارد و اگر روزی هم خویه را در برابر خواست با داران سوسیال امپریالیستی خود قرارید مید (که این امر محال است) مطمئنا با کودتای دیگری آقای کارمل را که از دیر زمانی بر فایت با ترمکی برآمده و از معاونیت بریاست جمهوری ارتقا داده و به همین ترتیب الی اخیر . سیر یا زود خلقهای افغانستان گور شما و با داران امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی شان را با انقلاب کنده و بر خوابه های دولت فاشیستی شما پایکوبی خواهد کرد . شاه شجاع بر سر قدرت (تروهکی) با درس گیری از

با داران سوسیال امپریالیستی خویش ما هرانه با روزبان صحبت میکنم . از آنجائیکه خود او و دارودسته های مرتجعش جای پای در دیون تودها ندارند و از خشم توده ها چون بید بخود میزنند و عنعنات و مقدسات خلقی ما را مورد سوء استفاده قرار داده از تحکیم قانونیت دموکراتیک در کشور و احترام به اساسات دین مقدس اسلام و احترام به عنعنات و سنن پسندیده صحبت میکند و بعد برای اینکه جوانان روشنفکر را در حلقه شیاطنی خود بکشد قانونمندی انقلاب جامعه را از تحلیل پیشوایان بزرگ علم مترقی چون مارکس و انگلس و لنین آنها با قلب ماهیت اصلی آموزش های شان استخراج کرده و بدین ترتیب خود را پیرو علم جامعه جا میزنند و برای اینکه کودتای با داران روسی خود را بر روشنفکران مترقی افغانستان بجای انقلاب بفروشند و مینویسند :

" نا رضایی ها در آخرین روز ها از حالت بالقوه بمبالغه و از حالت تراکم کمی خود به تغییرات کیفی منجر گردید و شرائط عینی و ذهنی آغاز انقلاب دموکراتیک و ملی در کشور نفع یافت و در اثر آن قیام انقلابی مسلحانه هفت ثور ۱۳۵۷ به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در روز روشن در کترین غایحات طومار سیاه رژیم تروریستی و طراز فاشیستی محمد داود را در هم پیچید و بدین جهت قیام انقلابی ۷ ثور به معنی واقعی گله یک انقلاب ظفر آفرین خلق افغانستان است نه یک کودتا " (بیانیه راد یوئی تروهکی) . ذهی پستی و زوال که کلمه مقدس انقلاب را چگونه مورد سوء استفاده قرار داده و بسسه فریب خلقهای ما می بردازد . شما که خود تا یک هفته قبل از کودتای سوسیال فاشیستی تان دولت فاشیستی داود را " انقلاب و سوسیالیسم " بخلق های ما و جبهه تیان معرفی میکردید و حالا چطور شد که انقلاب دیگری را برپا کردید ؟ اگر انقلاب دیروز شما انقلاب نیستی بود پس انقلاب فعلی تان باید شما را یک قدم به جلو " کونیسیم " ارتقا دهد در حالیکه خود انقلاب خود را دموکراتیک میدانید .

شاه شجاعان نوین ! انقلاب عمل خلقهاست نه عمل چند نوکر امپریالیست و سوسیال امپریالیست و نماینده طبقات استثمارگر مثل شما . وقتی ما از خلق صحبت می کنیم مطلب از اکثریت خلق افغانستان یعنی کارگران و دهقانان و دیگر اقشار و طبقات ضد امپریالیستی ضد سوسیال امپریالیستی و ضد ارتجاعی است نه چند صاحب منصب مزدور که تا چند روز قبل در زیر فرمان داود فاشیست به سرکوب خلقهای زحمتکش ما می پرداختند و امروز بخاطر آنکه ضافع خود شان و با داران امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی شان بیشتر تا مین شود دست به کودتا زدند . اگر هر قیام مسلحانه اردو انقلاب است پس بعقیده شما کودتای چینی هم مسلحانه بود و هزاران انقلابی را بکاک و خون کشید آیا اسحق را انقلاب گذاشت ؟

نه آقایین ! نه کودتای شما و با داران سوسیال امپریالیستی تان و نه کودتای چینی و با داران امپریالیستی امریکائی شان هیچکدام انقلاب نبوده و نیست . کودتای های فاشیستی سیاهی هستند که برای سرکوب خلق و پرا تا مین هرچه بیشتر منافع امپریالیستها و سوسیال امپریالیستها طرح ریزی شده اند .

انقلاب جنبش مجموعه خلق و سرنگونی قهری طبقات ارتجاعی حاکم توسط طبقات محکوم است نه عقب زدن یک بخش طبقات حاکمه توسط بخش دیگر آن و آنها هم فرمان با داران امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی شان .

" رهبر انقلاب نویسنده جیره دست و انقلابی بزرگ (الفاب راد یو ماسکو برای تروهکی) که از فرط این همه انقلاب در حالت مستی غرق شده چنان باوه گوئی را سر داد که مینویسد : " زمینه سرنگونی رژیم فاسد و ضافع سلطنتی با مبارزه بیکر نیرو های وطن پرست به پیش آهنگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کشور قبلا آماده گردیده بود ولی سردار محمد داود مستبد و جاه طلب مزورانه و به شیوه ماکیاوالتی قدرت دنیائی را در وجود خویش متمرکز ساخت . " (بیانیه راد یوئی تروهکی) چه لاف و کزاف گوئی بشیرمانه ! !

در اینکه نیرو های وطن پرست پشت ارتجاع سیاه و رژیم فاسد ظاهرشاهی را به تب ایزه مرگ دچار کرده بود هیچ جای شک و شبه نیست . اساسا شما انقلابیون کاذب با حزب سوسیال فاشیستی تان در آن زمان نشسته چونکی های پارلمان بوده و با اعمال ضد انقلابی و مرتجعانه خود به فریب توده های خلق پرداخته و در صف اتحادیه مصلحان و استادان پوهنتون و در صف کارگر و دهقانان مبارز دست به تخریب و انشعابگری زدید . پیشروسی شما بجائی کشید که جلو مارش ظفر نون کارگران شیرخان را که فاصله ۳۰۰ کیلومتر را بجانب کابل پشت سر گذاشته بودند سد شدید (بسرک این روزیونیت و سوسیال فاشیست و خائن به طبقه کارگر که در آن زمان وکیل شورا بوده و در جرگه قاجاجبران نفوذ الین و کمپرادوران . . . برای سرکوب خلق افغانستان قانون طرح میکرد خود را در لباس نماینده طبقه کارگر زده و با وظیفه ای که از جانب دولت ضد خلقی ظاهر شاه برایش داده شده بود با بخش کپل و مواد خوراکی . . . کارگران شیرخان را در حوالی پلخمری از مبارزه باز داشت و مارش انقلابی شان را که از جانب توده های خلق مورد پشتیبانی قرار گرفت سرکوب کرد) :

وقتی ارتجاع افغانستان و با داران امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی تان دیگر با ضد های کهنه جلو او جگیری جنبش خلق را سد شده و نتوانستند دست به مانور جدیدی زنند و کودتای فاشیستی که طبقه حاکمه افغانستان بهمکاری سوسیال امپریالیسم روس در ۲۶ / سرطان ۱۳۵۲ بر اه انداخته بودند مورد تا تید شما مرتجعین قرار گرفت و شروع به دعا گوئی از داود جلال کردید و از وی رهبر انقلاب رئیس دولت صدر اعظم قاعد ملی سوسیالیست " و بالاخره با تقدیم به الفاب وی افزودید که حصادات با داران فرومایه شما یعنی هرزف را هم تحریک کرده بود .

سوسیال فاشیستهای خائن ! همکاری شما با رژیم داود بخاطر تا مین هرچه بیشتر ضافع با داران سوسیال امپریالیستی نبود شما که در تحلیل خود برای فریب روشن فکران علم مترقی را رهنمای عمل خویش قرار میدید و حتی اساسی ترین اصل این آموزش را قلب ماهیت میکنید . شما مبارزه طبقاتی و ضافع طبقاتی را نادیده میگیرید . اگر شما واقعا زمینه کودتای ۲۶ / سرطان ۱۳۵۲ را چیده و آنرا به پیش آهنگی حزب دموکراتیک خلق قبلا در کشور آماده کرده بودید پس چطور شد که به جانی مستبد و جاه طلب (داود) اعتماد کرده و وی را به دولت نشانید ؟

مگر داود مربوط به طبقات حاکمه نبود و بچه کاکی شاه نی شد ؟ مگر داود در جریان ده سال صدارت خود از سال ۱۳۳۴ - ۱۳۴۲ کمتر از ظاهر شاه خون ریخته بود که بوی اعتماد کرده و وی را به سر (بنجه در ص ۳)

مرگ بردار و دستهای روبز نویستی و سوسیال فاشیستی پرچم و خلق

"ریاست جمهوری" نشانید. به غرب المثل توده ای
 "پینر گرگ رفتید که بیا قرمز پدرت را بگیر" چه دیدی
 از مبارزه طبقاتی! شما پنج سال خلق افغانستان را به
 کمک داور شاه قاتل و داور سته های خونخوارش زیر
 چنان ستم و مشایبه فاشیستی قرار دادید که خلق مسما
 هیچگاهی آنرا فروموش نخواهد کرد. امروز خود پیشرومانه
 مینویسید: "در عهد این سردار خود خواه و جاه طلب
 تاریخ به سو" استفاد از قدرت دولتی و همستی مردم به
 اوج رسیده و رشوت و بیدادگری چور و چپاول و قانون عام
 جمهوری قلابی داور گردیده بود. جنون بی پایان و
 شهرت طلبی و چشم این سنگر تاریخ و جلاز مردم را
 گور کرده بود. جاسوسی تحدید نخویف و ترور فرزند
 شرافتمند و بیدفاع وطن پیشه عیشگی او بود او جلاز
 خانه مخفی آن بوجود آورده بود و وطنپرستان را مخفیانه
 توسط عمل سیاهکار و جانی خود بقتل میرسانید. (تکیه
 روی کلمات از ۲۳ ثور است) (بیانیه رادیویی ترهکی)
 شما خائنین به وطن که خود را "پیشاهنگ خلق" می
 دانید و حتی بیکار در طول این پنجسال که گذشت این
 واقعیت ها را بخلق افغانستان روشن ساختید؟ خلق
 افغانستان این خیانت شما را که بعضی افشارگری رژیم
 فاشیستی داور و آنرا انقلاب و سوسیالیسم جا میزدید و
 نخواهد بخشید و بعضی فرزند آن رشیدی که فدای معامله
 گزی های شما خائنین با خاندان سلطنتی و طبقات -
 حاکم امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم شده اند خون -
 صد ها خائنی چون شما ها را خواهند ریخت. برای شما
 منافع خلق مطرح نبوده و فقط فرمان ماسکو بود که شما
 مطابق آن بایستی عمل میکردید. اگر دولتی فقط قبولدار
 ثوروی ضد خلقی سردمداران کرملن (راه رشد غیرسر
 سرمایاری و بسط و توسعه سکور دولتی و سیستم پلان
 گذاری اقتصادی دولتی) می بود دیگر ماهیت طبقاتی
 آن برای تان مطرح نبود که داور هم آنرا این قماش بود.
 شاه شجاعان نوین! کافیت تا خلق ما بیکار سه
 گذشته سیاه شما فکر کنید آنجا است که دیگر در خیانت
 شما جاگد شک. برایشان باقی نخواهد ماند و ما هم که
 بختر کوچکی از خلق افغانستان هستیم و تا جائیکه توان
 داریم شما و افعال و وطنفروشان تان را افشا خواهیم
 کرد و به آتش مبارزه خود بر علیه تان می افزایم. شماها
 بجز گدی های کزکی سوسیالیسم شوروی نیستید.
 تلاشهای عوامفریبانه شما در رویا زود مانند سلف خائنی
 و غدار شما افشا خواهد شد. مگر داور همین پروگرام
 ۲۶ فقره شما در دست پنجسال قبل بخلق افغانستان
 وعده نداد و نظر به ادعای خود شما: "داور در آغاز به
 مقصد فریب و عوامفریبی یک پروگرام بالنسبه مترقی را اعلام
 کرد که مورد پشتیبانی نیرو های مترقی قرار گرفت." (تکیه
 از ۲۳ ثور است) (بیانیه رادیویی ترهکی).
 بلای مرتجعین! اولاً نیرو های مترقی به هیچوجه سه
 وعده و وعید های دروغین نماینده طبقات ارتجاعی افغان -
 نستان اعتماد نکرده و از همان روز اول کودتای فاشیستی
 ۲۶ سرطان ماهیت ارتجاعی آنرا شناخته و به افشای آن
 پرداختند. این شما خائنین تو کاسه لیسان ارتجاع
 امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم بودید که نفازه تبلیغات
 دفاع از رژیم فاشیستی داور را بگردن انداخته و مسی
 خواستید فاشیسم را انقلاب جا بزنید و جانلا نمیتوانید
 خیانت و وطن فروشی خود را به نیرو های مترقی و وطن
 پرست بچسبانید. ثانیاً واقعا روح کو حافظه ندارد.
 بیکار بنابر ادعای ترهکی به همکاری افسران وطن پرست
 و به رهبری "هزب دموکراتیک خلق" زمینه سرنگونی رژیم
 فاسد و منسوخ سلطنتی را آماده کرده بودید و در جای

دیگر این "نیرو های مترقی" یعنی داور سته های -
 سوسیالی فاشیستی باصطلاح خلق و پرچم به اسامی برنامه
 بالنسبه مترقی "داور از او پشتیبانی کردند.
 ثالثاً اینکه نه پروگرام داور فاشیست و نه پروگرام شما
 سوسیالی فاشیستهای وطنفروشی دارای ماهیت مترقی
 نبوده و در ماهیت و حتی در جمله بندی های متن هر
 دو پروگرام انقدر تخمیری به مشاهده نمیرسد.
 کافیت تا هموطنان ما هر دو پروگرام را بصورت مقایسه
 پهلوی هم قرار دهند و در باره آنها تضاد نتانند.
 ما هم به نوبه خود سهم خود را در این زمینه ادا می
 کنیم. اما اصل بحث روی طرح یک پروگرام نیست بلکه
 عملی شدن پروگرام است. ما مستعدیم که نه دولت
 داور و توانست خواستهای اکثریت خلق افغانستان را بر
 آورده سازد و نه رسالت آنرا داشت و نه شما رسالت
 این وظیفه مقدس را با برنامه سوسیالی فاشیستی و رفر -
 میستی تان دارید. زیرا هر دولتی که بنا بخواست
 طبقات ارتجاعی حاکم امپریالیستها و سوسیالی امپریا -
 لیستها و جهت سرکوب خلق ها مارا طریق کودتا بقدرت
 رسیده باشد و بهیچوجه قادر به بر آورده ساختن خواست
 های اکثریت خلق نیست و زیرا تا همین منافع خلق درست
 درست مخالف منافع مرتجعین امپریالیستها و سوسیالی
 امپریالیستها قرار داشته و شما که خود دستنشانندگان
 سوسیالی امپریالیسم هستید فقط بخاطر تا همین منافع
 مرتجعین داخلی با داوران سوسیالی امپریالیستی تان
 و امپریالیسم خدمت خواهید کرد و مطمئناً که اعمال شما
 در آینده نزدیک این ادعا را به تمام خلق افغانستان
 روشن خواهد ساخت.
 هموطنان عزیز!

بنیام رئیس "شورای انقلابی" چه چرندتایات را بمنظور
 فریب خلق ما به خورد توده ها میدهد: "بسط مناسبات
 اقتصادی و همکاری های فنی با کشورهای دوست و -
 جلب قرضه های بدون قید و شرط آنها بمنظور توسعه
 آهنگ رشد اقتصادی کشور" (بیانیه رادیویی
 ترهکی). آنها تکیه به نیروی لایزال خلقهای افغانستان
 و دستهای پرآمله ملیونها کارگر و دهقان افغان ایمان
 ندارد و بدو بخواه "توسیع آهنگ رشد اقتصاد"
 افغانستان را به قرضه های کشورهای "دوست" -
 (بخوان امپریالیستها و سوسیالی امپریالیستها) وابسته
 میسازند. بعقیده این شایعخاعان نوین تمامی مالک
 "دوست" برای افغانستان قرضه های بدون قید و شرط
 اعطا می فرمایند! این ایدئالیست ها و وطنفروشان سه
 بمفهوم امپریالیسم پی برده اند و نه ماهیت نفوذ استعمار
 نوین را می شناسند. باوجودیکه چندین بار در متن
 خطابه رادیویی خود ذکر کرده اند.
 قرضه هائیکه امروز از دولت های باصطلاح دوست همه
 مالک عقب نگه داشته شده اعطا میشوند چیزی نیست جز
 زنجیر های استعمار امپریالیستها و سوسیالی امپریالیستها.
 امروز ملیونها دالر قرضه های استعماری مالک امپریا -
 لیستی و سوسیالی امپریالیستی بر شانه خلقهای رنج بر
 ما کزانی میکنند و اما داور سته ترک و بسیرک که بقای
 خویش را در همکاری و جلب قرضه های امپریالیستی می
 بیند و هنوز هم خواهان سزایر شدن قرضه های خارجی
 بشکورت می باشند.
 مگر دولتهای ظاهر و داور کتر قرضه بدست آوردند
 که امروز ترک و ببرک بازمم خواهان قرضه های "بدون
 قید و شرط" شده اند؟ نظر به احصائیه های دولتی
 مجموعه قروض افغانستان در بهار سال ۱۹۷۳ بالغ بر
 ۱۷۰۴ ملیون دالر میشد که از آنجمله ۶۶۲ ملیون دالر

آن از دولت سوسیالی امپریالیستی شوروی ۴۳۱۳۳ -
 ملیون دالر از دولت امپریالیستی امریکا ۱۰۳۱۰۰ ملیون
 دالر از امپریالیسم آلمان ... تمام این قروض با روح
 حد اقل ۲۵٪ بایستی دوباره تابه شوند. در اصل
 دوم و سوم کودتای سیاه فاشیستی داور سلخ جدیدی
 نظر به ادعای داور به این قروض افزوده شد و بالتبع بر
 ۱۴۰۰ ملیون دالر بود. اگر این قروضها قید شرط و یا
 بدون قید و شرط بود چه نتایجی برای خلق ما بار آورد؟
 بیکاری و آوارگی و بدبختی و فلاکت و رنج ملیونها زحمتگر
 آواره شدن بیشتر از سه ملیون زحمتکش افغانستان به
 مالک ایران مصر پاکستان عربی و غیره این ها همه -
 واقعیتی است که از آنها نمیتوان انکار کرد و خلق مسما
 آنرا بچشم سیر دیده و رنج آنرا با گوشت و پوست خود
 احساس میکنند. قرضه های دولت های امپریالیستی و
 سوسیالی امپریالیستی ... هیچگاه بدون قید و شرط
 بوده نمیتواند. یکی از مشخصات امپریالیسم عیار از -
 صدور سرمایه است. لذا آنها تکیه قرضه های مالک
 امپریالیستی را بدون قید و شرط به خلقهای نامعرضی
 میکنند خائنین بخلق اند که ماهیت امپریالیستی را مست
 مالی میکنند. در اینکه قرضه های امپریالیستی غربی
 غارتگرانه است و هیچ شک و شبیه برای خلق های افغان -
 نستان وجود ندارد. اما شکست شاه شجاعان نوین قرضه
 های با داوران روسی خود را بدون قید و شرط بداند.
 اما این وطن فروشان از خود بیخبر میزند اند که خلقی
 افغانستان استعمار ظالمانه و امپریالیستی تزاران نوین را
 نیز با گوشت و پوست خود احساس میکنند.
 امروز ملیونها متر مکعب گاز افغانستان به نرخ گامان
 شوروی صادر میشود و در حالیکه خلق ما رصتان های
 سرد را بخاطر استفاده از حرارت حیوانات با حیوانات
 خونس در یک مفاره میخوابند و هزار تان تن نیمه ما سه
 شوروی صادر میشود و در حالیکه ملیونها هم در آن داشتن
 لباس محروم اند و یا لباس تنگ کهنه های امریکایی است.
 نیمه به شوروی صادر میشود و فابریکات نساجی از کار افتیده
 و بدین ترتیب بیکاری زیاد میگردد. میوه جات فارم -
 غازی آباد و عمدتاً ننگرهار مستقیماً به شوروی صادر
 می شود برای اینکه خلق ما توانست باشد روح زوریکر
 شکر را تادیه کند. در حالیکه خود برای میوه جات چمن
 مانده و نارنج و لیمو و کلمه و غیره باید به پاکستان و هند
 اشعار تادیه کنند. زمین هائیکه سالها رو آن گند زرع
 میشد امروز به مزارع پنبه تبدیل شده در حالیکه خلق ما
 برای یکسیر کندم بیشتر از یکروز معاصر خود را باید تادیه
 کند. وضع اقتصاد افغانستان چنان رقت بار است که
 دولت فاشیستی هند که خود ملین ها گرفته دارد بیست
 دولت سوسیالی فاشیستی کودتای پنور کندم کند فیکند.
 صنعت تولیدی آنها به روسیه صادر میشود و تا قرض آنها را
 بزد اخته باشیم در حالیکه افغانستان برای ساختن باید
 از پاکستان و روسیه و تباره شش بقیعت کرائتر وارد کند.
 ملیون ها دالر سلاح کهنه برای سرکوب خلق ما از روسیه
 خریده میشود. اینهاست تطبیق "بی قید و شرط قروض
 امپریالیستی با داوران روسی دولت کودتای ۷ ثور. با آمدن
 کودتای ۷ ثور اولین قرار داد سوسیالی امپریالیستها
 دادن قرضه برای استخراج معدن مس بود. تاراج منابع
 مواد خام ما نیز "قرضه بدون قید و شرط" است؟!
 ای خائنین به خلق - شوروی امروز دیگر آن شوروی -
 سوسیالیستی زمان لنین و الماتسین نیست. همروشیف
 خائنی و روبرویست شوروی را بیک شوروی امپریالیستی
 تبدیل کرد که هر فردیکه چشم تینا داشته باشد از این
 واقعیت چشم نمیشد. بقیه در صفحه چهارم

مرگ بر سوسیالی امپریالیسم روس این امپریالیسم عمده و افغانستان

بقیه - مرک بر دولت صهیونیستی

اسلحه بد هم و دوش بد و تر هم مبارزه نمانیم .
 دولت اسرائیل خود یک دولت فاشیستی است بیولتاریا
 و دیگر افتار و طبقات خلقی اسرائیل تحت ستم بورژوازی
 صهیونیستی قرار دارد . بسیاری از یهودیها بر خلاف
 خواستشان به فلسطین آورده شده اند . آنها قربانی
 نژادله انسان با انسان بین صهیونیستها و نازیها
 شدند . فاشیستی تذکر داد که صهیونیستهای اسرائیل
 با پرداخت دالر آمریکائی به گرین نشینان سوسیال
 امپریالیستی روس یهودیهای میبکون در مناطق مختلف
 شوروی را بر خلاف خواست آنها به خاکهای اشغال شده
 فلسطین و کشور های عربی همجوار مسکن مینمایند . ده
 ها هزار انسان که از جنگال سوسیال فاشیستیهای روس
 خزان فرار اند بهیچوجه حاضر نیستند که در دست
 فاشیستهای صهیونیست بیافتند تا بورژوازی خون آشام
 صهیونیستی آنها را استثمار و با گوشت دم توپ بخاطر
 منافع عدّه قلیلی بسازند .
 بورژوازی صهیونیست بار بحران سیستم استعمار
 و استثمار سرمایاری خود را بدو زحمتکشان اسرائیل
 انداخته و آنها را قربانی سیاست های استعماری و توسعه
 طلبانه خود مینماید و کماتی که بر علیه آنها بمقاومت می
 پردازند آنها را بعنوان باصطلاح جاسوس یا اعدای می
 کند و یا در شکنجه گاه ها تحت شکنجه و آزار قرار می
 دهند .

اما تاریخ بجلو میروید و خلقهای زحمتکش یهود نیز
 دریا رود بیا خواهند خواست و تحت رهبری بیولتاریا
 بورژوازی استثمارگر صهیونیستی را سرنگون خواهد کرد .
 همین حالا جرقه هایی از مقاومت بر ضد صهیونیسم
 و بورژوازی استثمارگر مشاهده میسرند . مبارزات جوانان
 یهودی مبنی بر عدم اشتراک در اردوی صهیونیستی با -
 شعار : " ما نمیخواهیم بر سر اعراق آن چیزی را بیاوریم
 که فاشیستهای آلمان بر پدران ما وارد کردند " و همچنان
 اعتصابات بی دربی کارگران در رشته های مختلفه صنایع
 بر ضد استثمار توسط سرمایاری و گمی معاشی ... شاهد
 اوجگیری جرقه های مبارزات توده های خلق یهود علیه
 بورژوازی استثمارگر آن می باشد .

دولت صهیونیستی اسرائیل که بر مبنای ترور و راندن
 خلق فلسطین از سرزمین های شان و قتل عام هزاران -
 طفل مرده و زن بوجود آمده چه چهره کبری بکنین دولتی
 را نمیتوان با رنگ و روغن صلحجویی و غیره پنهان کرد .
 چنانچه سادات این سنگ زنجیری امپریالیسم امریکا و دیگر
 سران ارتجاعی کشور های همجوار عرب رورویزونیستها و
 ایورونیستیهای تفری سه جهان " خواهان آن اند .
 بکنین دولتی باستی قهرام سرنگون گردد و برخواه
 های آن یک فلسطین آزاد و آباد و شگوفان و دیوکراتیک
 بنا شود که در آن زحمتکشان یهودی یا برادران عرب -
 خویش مساویانه و در صلح و رضا زندگی نمایند .

این حمله صهیونیستهای اسرائیل به لبنان به امر
 با داران امپریالیستی امریکائی وی صورت گرفت . در چندی
 این ادعا در آن است که دولت امریکا از دیر زمانی به
 این طرف خواستار استقرار صلح " در منطقه است . مبارزات
 سه سال اخیر انقلابیون لبنانی بر علیه بورژوازی استثمارگر
 لبنان با همکاری انقلابیون فلسطین و کنترل قسمت اعظم
 خاک لبنان توسط آنها منافع امپریالیستها و خصوصاً
 صهیونیستها را بخطر مواجه ساخته بود و در شرایط
 موجود بر حدمات جنوبی لبنان یگانه محلی بود که انقلابیون
 فلسطین میتوانند بر ضد عملیات اسرائیل دست زنند .

خطر حمله به اسرائیل از ناحیه مصر واردن که از نگاه

استراتژیک خیمتین سرحد را با اسرائیل دارند از بین
 رفته و دولت مرتجع سوریه هم امتحان خود را بر سرکوب
 انقلابیون فلسطین (تل الزعتر) در لبنان داده -
 بود . پس باید در لبنان حکومتی را مستقر ساخت تا
 بتواند جوابگوی خواسته های امپریالیسم امریکا باشد .
 پلان گاوتر مبنی بر تقویه و سازماندهی دوباره ارتش
 لبنان و چیز دیگری نیست بجز یک پلان سرکوبی جنبش
 آزاد ییختر خلقی فلسطین در لبنان و بنا بگفته امیر -
 پالیستهای نیرو های " صلح " (ملل متحد) تا زمانی
 در مناطق جنوب لبنان مستقر خواهند بود که نیرو های
 نظامی لبنان بر اوضاع مسلط شده و " صلح و آرامش " را
 در آنجا برقرار نمایند .

مسلط شدن بر اوضاع و برقرار نمودن " صلح و آرامش "
 از دیدگاه امپریالیستها برای همه روشن است . یعنی
 سرکوب جنبش خلقی فلسطین . از طرف دیگر بازار تجارت
 اسلحه برای امپریالیستهای امریکا در لبنان گرم شده
 چنانچه " کک " ۲۰۰ میلیون دالر امریکائی به حکومت
 لبنان برای سازماندهی و خرید اسلحه گواهی این ادعا
 است . بدین ترتیب امپریالیسم امریکا با تقویه لبنان و
 مواجیح خود را در برابر حریف خوبی و سوسیال امپریالیسم
 شوروی با استحکام بخشیده و همچنان جنبش آزاد ییختر
 فلسطین را در محاصره میگیرد .

اما چرخ تاریخ بجلو میروید و حتی بزرگترین امپریا
 لیستهای نمیتوانند جلو جنبش بر حق را سد شوند .
 جریان تاریخ و بخصوص حماسه خلق ویتنام این واقعیت
 را به جهانیان به اثبات رسانیده است .

بروز موضوع نخواهد بود تا نقر ارتعاجی عساکر
 ملل متحد را در اینجا یاد آور شویم . استقرار عساکر
 ملل متحد در این منطقه در آخرین تحلیل فقط در خدمت
 منافع امپریالیستها بوده میتواند . و چنانچه آنها
 در اولین برخورد خود با نیرو های مقاومت فلسطین
 و انقلابیون لبنانی به آنها " اخطار " دادند تا از مواجیح
 غن تحت نفوذ خود عقب نشینی نموده و حتی پناها گاه
 های خود را در مناطق مهم با اختیار عساکر فرانسوی
 ملل متحد بگذارند .

بلی - تجاوز غارتگرانه و وحشیانه اسرائیل به لبنان
 بنام " سرکوب تروریستهای فلسطینی " عمل درست ارتعاجی
 میشود و دفاع خلق فلسطین و لبنان بخاطر آزادی -
 خاک های از دست رفته شان بنام عدول از فیصله های
 سازمان ملل تقیح میشود .

منطقی که باید بران خندید و جوانش را با اسلحه
 گفت . درین میان چارو و جنجالهای ابرقرب امپریالیستی
 روس هم قابل توجه است . آنها از یکطرف بر برابر
 دالر یکصد دزبانی یهودیهای زحمتکش را به صهیو -
 نیستها بفروشد رسانیده و سرکوب و حجابانه نیرو های
 انقلابیون فلسطین و لبنان را توسط عساکر سوویائی عمل
 درست و منطقی ارتعاجی میکنند . از طرف دیگر همصدا
 با امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیستها خواهان اویند
 و خاتمه جنگ در منطقه هستند (سیاست به صلح و نه
 جنگ) . سوسیال امپریالیستها در شرق میانه در وابسته
 ساختن این کشور ها به ابر قدرت شوروی کک می کند
 همصدا شدن سوسیال امپریالیسم روس با ابر قدرت امریکا
 مبنی بر حل مسئله فلسطین از راه مسالمت آمیز چیز
 دیگری نیست بجز فریب و تسلیم شدن انقلابیون فلسطین
 در برابر صهیونیسم و امپریالیسم .

مبنی پرستان مسلح و انقلابی فلسطین بدرستی

بقیه - عواقریبی دولت کودتای سوسیال فاشیستی

این جنای شما (کودتای سوسیال فاشیستی ۷ ثور) که
 بکک مستقیم سوسیال امپریالیسم شوروی جهت تا بین
 هرچه بیشتر منافع آنها بوجود آمده پدیدگر برای خلق ما
 رنگ ندارد . با داران کولین نشین شط با کک شما
 خائنین سوسیال فاشیست در تمام دوره حکومت ظاهر
 و داور آتقرد عرصه را بر خلق زحمتکش ما تنگ ساخته
 بود که خلق ما مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شدند .
 و حال برای اینکه شما اعتبار کادری در بین خلق ما بدست
 آورید مطلقاً با رفرفر های خرد و کوچک تا زمانی به
 فریب خلقهای ما خواهید پرداخت . اما این عوام
 فریبی ها زود گذر بوده و هشت چه بزود ترین فرصت
 جبهه های گتف شما بر ملا خواهد شد زیرا نوکران -
 امپریالیستها و سوسیال امپریالیستها باید منافع با داران
 خود را تا بین کنند و خلق را سرکوب نمایند .

هموطنان عزیز خلقهای رنجبر و زحمتکش افغانستا!
 دارودسته های سوسیال فاشیستی " خلق " و پرچم
 که تاریخ روی آنها را سناه کرده بهیچوجه جوابگوی -
 خواستهای نوکرانیک و طی شما نخواهد بود . اینها
 هم مانند داور جلال فقط بمنظور فریب این همه لاف و
 گزافه گوئی را براه انداخته اند . نجات خلقهای افغانستا
 نستان فقط بدست خلقها و با سرنگونی قهری دولت -
 سوسیال فاشیستی و قطع دست امپریالیستها و سوسیال
 امپریالیستها برهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش
 امکان پذیر است و بس . وظیفه تمامی وطنپرستان است
 تا آتش مبارزه خود را بر ضد این خائنین شعله ورتر
 ساخته و بنیاد آنها را با آتش انقلاب به خاکستر سیاه
 تبدیل نمایند .

- سرنگون باد دولت دست نشانده و سوسیال فاشیستی
 در افغانستان !
 - مرک بر امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم مرتجعین و
 دارودسته های خود فروخته " پرچم و خلق " !

اعلام نمودند که : " با دولت صهیونیستی اسرائیل هرگز
 اویند صورت گرفته نمیتواند بلکه ما جنگ را ادامه داده
 به آتش آن افزودیم تا راندن قطعی آنها از خاکهای اشغال
 شده " . دولت سوسیال فاشیستی افغانستان که حامی
 مستقیم سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیستها در افغانستا
 نشان بوده و بخاطر سرکوب جنبش خلق و غارت و چپاول
 منابع طبیعی افغانستان بکک مستقیم ما بگردد به سر
 سر قدرت رسید تلاش میکند تا با عواقریبی و مغشور کردن
 از ها خلق خود را ملی جلوه دهد . این رژیم سرپا خد
 خلقی درین روز ها در دفاع از جنبش خلق فلسطین را
 بگردن انداخته و حتی به ایجاد دفتر فلسطین در افغانستا
 نستان دست زده است ولی خلق فلسطین که در مبارزه
 چشم بچشم و دندان بستند آن با امپریالیسم و سوسیال
 امپریالیسم و صهیونیسم در حال مبارزه است . با سرنگونی
 ارتجاع و رژیم فاشیستی و صهیونیستی اسرائیل ستم امیر -
 پالیسم و سوسیال امپریالیسم را نیز بکوسرید و روی شما
 " حاجیان " و " مدافعین " جنبش فلسطین را نیز سیاه می
 کند . کماتی که بدو این باصطلاح دفتر فلسطین در
 افغانستا جمع شده اند مبارزین فلسطین نبودند بلکه
 حامیان رورویزیسم معاصر سوسیال امپریالیسم روس بگور
 چهارنهدگان جنبش فلسطین و خلاصه ضد خلقون می
 باشند .

- سرنگون باد دولت صهیونیستی و فاشیستی اسرائیل !
 - پیروز باد مبارزات خلقی فلسطین تحت رهبری PLO !
 - مرک بر امپریالیسم سوسیال امپریالیسم و ارتجاع جهانی !

مرک بر امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیستها و مرتجعین

قطعه در آفتاب امپریالیست ها

اخبار

ما بخاطر یاد بود پنجامو نهمین میالگرد ششم جوزاپوز آزادی خلقهای افغانستان از جنگال امپریالیسم - انگلیس کرجه دستاورد های آن توسط طبقات ارتجاعی حاکم بر ساد رفته قطعه ذیل را نقل میکنیم :

شخصت یک مرد در لباس سیاه (کشیش مذ هین) پیش من آمده و میگوید : "مرا چون برادر خود دوست بدار و گر نه ترا خواهم فرستاد تا در تنور ایدیت بموزی سپس مردی در لباس روشن با اجناس نزد من آمده و میگوید : "این آشفالهارا به قیمت گران بفخر و گز نه از دست تو به مرد لباس سفید یا تفنگ بزرگ شکایت خواهم کرد". بالاخره مرد لباس سفید آمده و میگوید : "تسو نیخواهی جنس یا قیمت خوب از مرد لباس سفید بخری درین صورت خانه و مزرعه خود را به مرد سیاه پیش مرد لباس روشن واگذار کن و خارج شو و گر نه ترا خواهم کشت".

ولی به هر حال قبل از اینکه لب باز کنم او مرا میکند و هر سه بر من اربابی میکنند : یکی بر روی من آب مقدس میپاشد دیگری جیب مرا خالی میکند و سومی بدن مرا جلو سگها میاندازد . سپس همگی خانه مرا زمین فسرا زن من بچه های من و شمایل مقدس اجداد منسرا تصاحب میکنند .

جند رسائی از لاهوتی :

تا حاکم و حکم و حکمران باقی است
بیداد بشر چنانکه دایمی باقی است
تا بین بشر کار مساوی نشود
خون ریزی و فتنه جاودانی باقی است

ای زنجیران ! زاهد خیر را بکشید !
این بنیشران مخمور را بکشید ؟
خواهید که یگرتبسه شر را بکشید !
همت بکنید و سیم وز را بکشید !

آنان که دم از مقام و اورنگ زنند
با هر رنگی به خلق نونگ رنند
هر جای که یک نام نکوشی دیدند
بر او به غریب لکه نسی از نگزنند

از زحمت زنجیر یکی تاجر شد
آن خان شد و این یک دگری آمدند
قصه به این خوان همه کس حاضرند
و آن نیز که دیر آمده بود لیدر شد

تا بسر دگری حکم دگر کس مجراست
تا هست کسی که بر دگر کس اولی است
تا صدلسی و میز ریاست بر پاست
جنگ است و شقاوت است و رنج است و عناست

تا بسر دگری حکم دگر کس مجراست
تا هست کسی که بر دگر کس اولی است
تا صدلسی و میز ریاست بر پاست
جنگ است و شقاوت است و رنج است و عناست

جندی قبل از کودتای سوسیال فاشیستی در افغانستان دو گذارش ذیل توسط عده از کارگران افغانی در ایران تهیه شده و برای اتحادیه عمومی جهت چاپ فرستاده شده بود :

اعتصاب پیروز مند کارگران و زحمتکشان افغانی در ایران

چهارماد هفته گذشته قدره بندها دولت فاشیستی شاه بیشتر از پنجاه تن از کارگران و زحمتکشان افغانی را از منازل کرائی کشیده و کسان کسان با زور سر نیزه و ولچک بسوی ماموریت (کلانتری) بجرم "زدی" بردند زیرا عده ناشناخته و به گمان خود پولیس های فاشیستی شکایت گدشته همانروز در کان کشیره فروشی را در همان محله غارت نموده بودند . افغانها به مثابه "زدان" متهم شدند اما اهالی همان محله اعتراض کسان به کلانتری رفته و پیشنهایی خود را از کارگران افغانی اعلام نمودند قدره بندها کارگران را متهم به "زدی" نمود و عده زیادی از آنها را با جبر و زور وادار به تیز و پیکان نمودن صحن کلانتری و موتر های آن نمودند با آنهم کارگران و زحمتکشان افغانی مخالفت شدید نموده و از کار اجباری روگردان شده بودند . زن شرافتمندی از همان محله با زن و کودک دیگر داخل کلانتری شده و شهادت دادند که کشیره با پارچه بافته شد و با مسداده هنگامیکه همه مشغول بردن آب از نزل آب بسوی خانه بودم که جندی به سواری ماشین بیگان کشیره و اموال را از کان کشیره فروشی بیرون آورده و به ماشین بار میکردند . در زمان اصلی آنها اندچال آنکه افغانهای ستم دیده و غریبه (بیگانه) مشغول عرق ریزی و حتی نان خوردن و مسکن ندارند . از ماشین که چه عرض کنم . بعد از اعتراض آن ها عده بیشتری از کارگران و زحمتکشان بسوی کلبه های زیر زمینی خود روان شدند . عده قلبی به عنوان "زدان" به کلانتری نگه داشته شدند . بعد از گذشتن یکساعت کثرت و با افسر پلیس به فحش و ناسزا پرداخته و لجام گسیخته به کارگران دشنام میداد . کارگر دلاور و شجاعی جاقوی شش تنگ خود را از جیب کشیده و به مامور پلیس اظهار داد که باید دهنش کتف خود را ببندد . کارگران از اجرای کار اجباری دست کشیده و مامورین پلیس را مورد حمله قرار دادند .

تمام همانروز اعتصاب کارگران افغانی و اهالی منطقه پیروززنده به پایان رسید و آنها را از بند رها کردند و کارگران همه بسوی کلبه های خود - زیر زمینی های نناک روان شدند . این بود گوشه از مبارزات کارگران افغانی با هسکتی با کارگران و خلقهای ایران بسر ضد رژیم فاشیستی ایران . میباید اعانه کرد که آزادی کارگران و خلقهای ایران و افغانستان فقط و فقط بسا سرنگونی قهری رژیمهای فاشیستی ایران و افغانستان و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم امکان پذیر است . ازین جرقه بالاخره حریق خواهد خواست و کاخ استبداد را با همه نوکران و مرتجعین خواهد وختاند .

کزارتی از تظاهرات و اعتصابات پیروز مند کارگران افغانی

از ریاض - عربستان سعودی

هفته گذشته عده گنجیری از کارگران و زحمتکشان افغانی

که در شرکت ساختمانی آلمانی مشغول کار بودند دست به اعتصاب زدند و خواستار مزد زیاد با شرایط بهتر کار شدند . مرتجعین به خواستهای معقول بطور حه آنها وقعی نگذاشتند . همان بود که کارگران افغانی متشکل شده و شعله اعتصاب ها را سراسر شرکت ساختمانی را فرا گرفت . بعد از دو ساعت همه کارگران بزروی سرکها و خیابانها بزماده و مظالمه کان دولت سلطان خالد این سگ زنجیری امپریالیسم امریکا امپریالیسم آلمان و دولت فاشیستی افغانستان را افشا نمودند و تا شام آنروز اعتصاب و مظاهرات شان ادامه داشت . فردای آنروز نوطه مجیده شده بود و گویا به کارگران دست مثبت دادند اما اعتصاب مدت چند روزی دوام کرد . این خبر توسط چند رفیق به شهران ارسال شده بود .

ای کارگر ! ای خاک تو از زر بهتر !
صد ره عرق ت شعله و غنیر بهتر !
آن آبله دست تو در دیده من
از گوهر اشک هر پیغمبر بهتر !
اول .

سوسیال فاشیستیهای خلق" و پرچم به تاریخ ۳/۵/۷۸ در شهر هامبورگ کودتای سوسیال فاشیستی ۷۷ ثور ۵۷ را به خواستند جشن گرفته و آنرا "انقلاب" جا بزنند رفقای اتحادیه هامبورگ عضو اتحادیه عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور با یک عده عناصر مترقی و انقلابی خارجی و خاطر آفتابی این درود سته های ارتجاعی درین محفل شرکت نمود و عملاً "جلو تبلیغات ضد خلقی این درود سته ها را از طریق افشا نمودن کودتای سوسیال فاشیستی و درود سته های ارتجاعی " خلقی" و پرچم زد و پند های آن با سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم سد شدند .

از آنجائیکه مرام این سوسیال فاشیستها در اثر بر هم خوردن جشن شان برآورده نگردیده آنها با همکاری یک عده روزینویسهای آلمانی و غیره با گاز اشک آور سوتسه پلیس جاقوی پنجه بکس و غیره شروع نمودند به لت و کوب عناصر مترقی و انقلابی . که چندین تن از عناصر ضد اجتماعی و ضد امپریالیستی و ضد سوسیال امپریالیستی و تسو سطلاین سوسیال فاشیستها و ستونهای پنجی سوسیال امپریالیسم روسی شدید امجوح شدند .

درین جریان سوسیال فاشیستها که قبلاً "گروه پلیس دراری تهیه نموده بودند و در نظر داشتند تا از جریان "تخلیل جشن کودتا . . . " فلم گیری نمایند و فلسفم آنها به افغانستان بفرستند البته به نام "طمانی محصلان افغانی در خارج از کشور" شروع نمودند به فلم گیری از عناصر مترقی و انقلابی .

در پیهنگام یکی از روزینویسها به پلیس تلیفون مینماید . موقتی که پلیس آلمان باید روزینویسها فلسفم بکشور را دو سته به پلیس تقدیم مینمایند . که بدینترتیب به جوزواری امپریالیستی آلمان عملاً از طریق شناختن عناصر مترقی یکبار دیگر خدمت نمودند .

اتحادیه عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور همیشه مبارزه علیه ارتجاع امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و درود سته های وابسته به آنها را بصورت طاعانسیه به پیش برده و خواهد برد . نه دولت سوسیال فاشیستی در افغانستان و نه جیره خواران آنها خواهند توانست مبارزات خلقهای افغانستان را که مبارزات اتحادیه عمومی بختر کوچکی از آنست به گفته خود شان "قلج" نمایند بلکه مبارزات خلقهای افغانستان در درون کشور و مبارزات اتحادیه عمومی در خارج بر علیه دولت سوسیال فاشیستی رو به اوجگیری است .

زنده باد مبارزات ملی و موکراتیک و انقلابی خلق های افغانستان

مرگ بر دولت صهیونیستی و فاشیستی اسرائیل

بقیه - دستاورد های شش جوزا

بتاریخ ۱۵/مارچ/۱۹۷۸ صهیونیستهای اسرائیلی با حمله وحشیانه و فاشیستی منا - طی جنوب لبنان را بخاک و خون کشیدند . صهیونیستها با ۲۸۰۰۰ عسکر مسلح جنوب لبنان را مورد حمله و بمباران هوایی زمینی و بحری قرار داده و صد کیلومتر خاک لبنان را اشغال کردند . هدف صهیونیستهای اسرائیلی بر پهلوی سیاست توسعه جویانه و سرکوب و نابودی نیروی مقاومت خلق فلسطین در جنوب لبنان بود . رژیم ترور و صهیونیستی اسرائیل که از سالها به این طرف چون گرگ خون آشام بقتل و غارت صد ها هزار انسان آواره فلسطینی پرداخته این بار نیز بلا استثنا دهات و شهرها و سرکها و شفاخانه ها و پناهگاه های مهاجر فلسطینی را مورد حمله قرار داده و بقتل بیرحمانه خلق فلسطین اعم از مرد زن و طفل پرداختند و اغناغ تیراز ۲۰۰ هزار انسان دیگر را آواره ساختند .

منابع تبلیغاتی اسرائیل و همسنگان امپریالیستی غربی اش مذبحخانه در تلاش اند تا واقعیت هارا از چشم جهانیان بپوشانند . آنها حتی بشیرمانه از همسنگی خلقهای جنوب لبنان با عساکر تجاروگر اسرائیلی صحبت میکنند ، اما عدو قلیلی فلاکتیست این پاسبانان درگاه زور و زمام امپریالیسم و مساوی به مجموع خلق لبنان است؟ این اولین حمله تروریستی و وحشیانه صهیونیستها بخلق های عرب در منطقه نیست آنها از سالها به این طرف به حملات تروریستی وحشیانه و فاشیستی دست زده اند و میزنند .

صهیونیستهای اسرائیلی بکمک مستقیم امپریالیسم انگلیس و حمایت کامل سایر امپریالیست ها بتاریخ ۱۴/می/۱۹۴۸ دولت اسرائیل را در یک قسمت خاک فلسطین اعلان و همزمان با آن در ماه اپریل نیرو های نظامی سازمان هاگانا برهبری عناصر جنایتکار چون بنگوری و موشه دایان و بیگین و گولد امیسر و غیره و مناطق تیریا ز چاینا رفاد . . . و یک قسمت از بیت المقدس را اشغال کردند . صهیونیستها در تمام این مناطق با مقاومت شدید خلقهای فلسطین مواجه شدند . امپریالیستهای انگلیسی برای تقویه صهیونیستها اختراعی را صادر کرده که در آن هیچ دولت حق مداخله در امور داخلی فلسطین را نداشت و همچنان یک مقدار زیاد قوای نظامی انگلیس در فلسطین مستقر گردید . صهیونیستها با پشت گرمی کامل امپریالیستها شروع به حمله به مناطق دیگر کردند . یکی از فجیع ترین جنایات صهیونیستها که جهان را تکان داد عبارت از قتل عام باشندگان قریه دیر یاسین بود .

صهیونیستها بتاریخ ۱۹/ اپریل / ۱۹۴۸ کاندو های آدمکش تروریستهای اسرائیلی را به این قریه فرستاده و ۲۵۰ زن و مرد و طفل را به شدیدترین وجهی قتل عام کردند . بعداً توسط موترها و بلندگوها به تمام قرا عرب نشین رفته با آنها اختار میکردند که در صورت مقاومت و عدم ترک مناطق خود و سرنوشته دیگری جز سرنوشته باشندگان دیر یاسین نخواهند داشت . بلی چنین است منطق مرجعین ! اعمال تروریستهای اسرائیل در دیر یاسین هیچ تفاوتی با جنایات فاشیستهای آلمان در مورد یهودیها ندارد . مناخیم بیگین فاشیست که در آنزمان فرمان حمله و قتل عام دیر یاسین را صادر کرده بود اظهار کرد که : " بدون پیروزی در دیر یاسین دولت اسرائیل نمیتوانست بوجود آید . " صهیونیستهای اسرائیل فکر میکنند ، تا " مسی و استحکام دولت اسرائیل دیگر نیروی عرنوع مقاومت را در خلق فلسطین نابود خواهد کرد . اما غافل از اینکه هر جا شتم است ، مقاومت و مبارزه نیز است و نیروی خلق فنا ناپذیر می باشد . جریان تاریخ ثابت کرد که نه ترور وحشیانه صهیونیستهای اسرائیل و نه حمایت امپریالیستها و ارتجاع عرب هیچکدام نتوانست خلق فلسطین را نابود کند . از آنزمان تا حال مبارزات خلق فلسطین روبه اوج گیری است . ناگامی نیرو های تجاروگر اسرائیل در حمله ماه می که هدف آنها نابودی کاب جنبش فلسطین در جنوب لبنان بود بیکار دیگر این واقعیت را ثابت کرد .

با ایجاد سازمان آزاد بیختر فلسطین (PLO) در سال ۱۹۶۴ و منطلق ساختن یکی از عمارات صهیونیستها در اسرائیل بتاریخ ۱/ جنوری / ۱۹۶۵ توسط پارتیزانهای فلسطین و جنبش انقلابی خلق فلسطین وارد مرحله نوینی شد . خلقهای فلسطین از ۱۳ سال به اینطرف مبارزه مسلحانه انقلابی خود را بر علیه فاشیستهای اسرائیلی به پیش میزنند . متحد شدن تمامی سازمانهای مقاومت فلسطین که شامل الفتح و جنبه و خلق و جنبه و موکراتیک و جنبه و آزاد بیختر فلسطین و الصاعقه و جنبه آزاد بیختر عرب در تحت سازمان آزاد بیختر فلسطین (PLO) بحیث یک جنبه متحد و یکقدم دیگر برای مبارزه متشکل و تشکیل ارتش آزاد بیختر فلسطین (PLA) بود .

اشباه خواهد بود اگر تصور شود که مبارزه خلقهای فلسطین تنها و تنها علیه یهودی ها است . یکی از نمایندگان الفتح در مورد مبارزه خلق فلسطین بر علیه صهیونیسم چنین میگوید : " موضع ما در قبال یهود ها هیچوقت و نوع نبوده ما همیشه یکموضع خواهیم داشت . اگر ما هدف مبارزه خود را همزیستی یهود ها و عربها در یک فلسطین مترقی و عدل امپریالیستی و برانداختن صهیونیسم اعلام نموده ایم بدین معنی است که یهودی ها در پهلوی ما تحت شتم و بیگانه قرار دارند و ما حاضریم برای آنها (بقیه در صفحه چهار)

در افغانستان عین عمل را اجرا کرده و خود را ادامه دهنده مبارزات ششم جوزای ۱۳۹۸ قلمدار میکنند . بهینم که این ادعا چقدر بوج و غامی از حقیقت است . نخست اینکه برای روزیونیستهای " خلق " و پرچم شوروی سوسیال امپریالیستی و اقتدار گویا متحدین طبیعی خلقهای کشور ما اند . آنها امپریالیسم را تنها در وجود امریکا و متحدینش میبینند . ما را عقیده بر آنست که امپریالیسم امریکا با متحدین غربی اش جمع جاپان و سوسیال امپریالیسم شوروی با اقتار خود (کشور های روزیونیستی اروپای شرقی) همه دشمنان خلق ما اند . البته فرق هائی میان آنها وجود دارد . مثلاً امپریالیسم امریکا پرچم " حقوق بشر خواهی " را بلند کرده و برای آن دهل و نغاره مینوازد و شوروی از " انقلاب و سوسیالیسم " دم میزند . در حالیکه هر دو ابر قدرت امپریالیستی اهداف مشترک دارند که در استشار حد اکثر خلقهای کشور های خود شان و خلقهای جهان متناز میگردند .

طوریکه در بالاتر ذکر دادیم نخست استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ در اثر یکجنگ تودمائی طولانی بدست آمد که در آن گرچه بطور موقت اما با آنها به سلطه شوم امپریالیسم خاتمه داد . در حالیکه کودتای سوسیال فاشیستی ۷ ثور ۱۳۵۷ یک کودتای پلان شده در قصر کرملن توسط سوان کا . گ . ب . به ریاست برژنف و داریو ستیاش صورت گرفت و برخلاف مبارزات ضد امپریالیستی ۱۹۱۹ توده های خلق افغانستان این کودتا به تقویت امپریالیسم و بخصوص سوسیال امپریالیسم در افغانستان پرداخت .

روزیونیستهای " خلق " و پرچم همانطوریکه به تحریف دانش ترمقی بتلفع امپریالیسم دست زدند و بهیچوجه تلاش دارند تا اراده برژنف را اراده خلق ما جا بزنند . روزیونیستهای وطنی تلاش دارند تا تاریخ را تحریف نمایند (ما متیقیم که ازین بعد کتاب های تاریخی " پختر و نشر خواهد گردید که در آنها صرف نظر از تحریف تاریخ خود را نیز سازنده تاریخ جاخواهند زد و بهاین کار از همین اکنون آغاز نموده اند طوریکه این مسئله تبلور خود را در ادعای بوج شان مبنی بر " ادامه دهندگان راه ۱۹۱۹ " می یابد .) اما عناصر وطن پرست و انقلابی به آتش مبارزه خود میافزایند و حد اکثر کوشش خواهند نمود تا تبلیغات ارتجاعی این عناصر را نزد هم میهنان رسوا و بی پرده بیاخته و واقعیات را طوریکه هست بازگو کنند .

قطعه نامه بخاطر دفاع از کارگران آواره افغانی در کشورهای همجوار

ترجمه شده در هفتمین شماره رساله " همی " ،

هفتمین کنگره عادی اتحادیه عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور از حقوق تمام کارگران و دهقانان و روشنفکران که در اثر ترور و اختناق دولت فاشیستی طبقات ارتجاعی حاکم وابسته به امپریالیسم و بخصوص سوسیال امپریالیسم روس و بیگاری روز افزون به کشور های همجوار بخصوص ایران آواره گردیده اند قاطعانه دفاع نموده و سیستم نیمه مستعمره و وابسته افغانستان و دولت فاشیستی را بشائبه عامل اصلی در بدی کارگران افغانی دانسته و رژیم فاشیستی شاه و این سگ زنجیری امپریالیسم امریکا و دیگر دولتهای ارتجاعی منطقه را بشائبه شریک جرم در این رابطه محکوم می نماید .

اتحادیه عمومی به این عقیده استوار است که آزادی طبقه کارگر و سایر بخشهای خلق افغانستان وقتی به تحقق می پیوندد که طبقات ارتجاعی حاکم بسرکردگی دولت فاشیستی توسط اکثریت خلق بخصوص کارگران و دهقانان برنگون شده و دست سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیسم امریکا و سایر امپریالیستها از کشور ما کاملاً قطع گردد . افغانستان آزاد آیان و شکوفان بر خرابه های رژیم فاشیستی افغانستان ایجاد گردد .

هفتمین کنگره اتحادیه عمومی صمیمانه ترین درود های خویش را به هموطنان آواره شده ما فرستاده و اعلام میدارد که هرچه زود تر تعقیب آزار و شکنجه قتل و ترور کارگران افغانی توسط رژیم فاشیستی شاه و ساواک و سایر دولتهای ارتجاعی قطع گردد .

هم میهنان عزیز و گرامی !

لطفاً نشرات اتحادیه عمومی را بخوانید و بدیگران بد هید . اتحادیه عمومی منحنیت یگانه سازمان انقلابی محصلان افغانی در خارج از کشور با پیروی از اصل انقلابی انکا به نیروی خود بر علیه رژیم سوسیال فاشیستی در افغانستان مبارزه میکند . لذا به کمک مادی و معنوی انقلابیین و مبارزین شرقی و ضد امپریالیست ضرورت دارد .

آدرس پستی :	آدرس پانکی :
Kieler Spar- und Leihkasse	G U A F S
Girokonto: 25 16 55 23	Postfach 91 01 41
Gh.Ha. W. Germany	3000 Hannover 91

جاویدان باد خاطر تانباک قهرمانان و شهیدای ستارخیز ششم جوزا